پاورقی

۳۱ خاطرات ۴۵۳ روز حضور در کاخ سفید

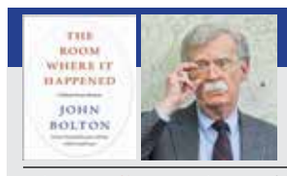

اتاقی که در آنجا اتفاق افتاد

جان بولتون / مشاور امنیت ملی سابق ترامپ / مترجمان: مسعود میرزایی و بهجت عباسی

مذاکره برای اقدام نظامی علیه سوریه

ساعت ۴ و ۴۵ دقیقه عصر نزد ترامپ در اتاق بیضی رفتم تا هنگام گفت‌وگوی تلفنی او با امانوئل مکرون رئیس جمهوری فرانسه حضور داشته باشم. حضور مشاور امنیت ملی در دفتر رئیس جمهوری هنگام مذاکره تلفنی با رهبران خارجی اقدامی مرسوم بود که من هم معمولاً انجام می‌دادم. مکرون در این گفت‌وگو مجدداً بر آمادگی فرانسه برای واکنش مشترک به حملات شیمیایی در سوریه تأکید کرد، همچنان که پیشتر نیز به‌طور آشکارا قصد فرانسه را برای پاسخ به سوریه اعلام کرده بود (و البته از این کار بهره و اعتبار لازم را برای خود کسب کرد.) او اشاره کرد که «ترزا می» نخست‌وزیر بریتانیا نیز علاقه‌مند است که اقدام علیه سوریه هرچه زودتر انجام شود. رئیس جمهوری فرانسه همچنین درباره حمله‌ای که پیشتر در روز دوشنبه علیه پایگاه هوایی «تیاس» در استان حُمص سوریه انجام شده بود، صحبت کرد و اینکه ایران تأسیسات و تجهیزاتی در این پایگاه داشته و این خطر وجود دارد در حالی که امریکا برای عملیات خود برنامه‌ریزی می‌کند، ایران دست به حمله متقابل بزند. من سپس با «فیلیپ اِتین» همتای فرانسوی خودم و مشاور سیاسی مکرون تماس گرفتم تا هماهنگی‌های لازم را برای اجرایی کردن توافق‌های ترامپ- مکرون به‌عمل آورم.

هنگامی که به مکالمه تلفنی ترامپ و مکرون گوش می‌دادم به این نتیجه رسیدم که اگر عملیات نظامی تا آخر هفته شروع شود - که محتمل هم به نظر می‌رسید- در آن صورت ترامپ نمی‌تواند در آن ایام در کشور حضور نداشته باشد. پس از پایان گفت‌وگوی دو رئیس جمهوری، به ترامپ پیشنهاد کردم که از حضور در کنفرانس سران کشورهای امریکایی که برای آخر هفته در پرو برنامه‌ریزی شده بود، منصرف شود و معاون خود مایک پنس را به این کنفرانس بفرستد. ترامپ با پیشنهادم موافقت کرد و گفت که با پنس و جان کلی رئیس کارکنان کاخ سفید موضوع را نهایی کنم. وقتی تصمیم ترامپ را در مورد لغو سفر برنامه‌ریزی شده به پرو، به کلی گفتم، به خاطر مقدمه‌چینی‌هایی که طی روزهای گذشته برای این سفر شده بود، شروع به غر زدن و ناله و شکایت کرد. من هم در جواب گفتم: «در نخستین روز کاری‌ام از من متنفر نشو»، او پذیرفت که تغییر برنامه در این شرایط اجتناب‌ناپذیر است. از دفتر کلی، عازم دفتر مایک پنس شدم تا شرایط جدید را توضیح دهم. دفتر معاون رئیس جمهوری در حدفاصل دفتر من و دفتر کلی واقع شده بود. وقتی در دفتر پنس مشغول صحبت درباره کنفرانس سران کشورهای امریکایی و حضور وی به جای ترامپ در این کنفرانس بودیم، کلی با عجله وارد شد تا خبر هجوم مأموران پلیس فدرال (اف‌بی‌آی) را به دفاتر «مایکل کوهن» بدهد. در ابتدا واقعاً اتفاق مهمی به نظر نمی‌رسید. کوهن وکیل شخصی ترامپ و یک کارچاق کن ارشد بود که کارهای حقوقی ترامپ و توافق‌های محرمانه او را انجام می‌داد. از جمله کارهایی که او انجام داده بود، توافق با «استورمی دانیلز» بود (استورمی دانیلز بازیگر فیلم‌های مستهجن بود که ظاهراً در سال ۲۰۰۶ روابط ویژه‌ای با ترامپ داشته است. براساس افشاگری‌های رسانه‌ای، کوهن به‌عنوان وکیل ترامپ در سال ۲۰۱۶ و درست قبل از انتخابات ریاست جمهوری با پرداخت ۱۳۰ هزار دلار حق‌السکوت، با خانم دانیلز توافقی امضا می‌کند که به موجب آن، او حق ندارد روابط غیراخلاقی‌اش با ترامپ را علنی کند.) من در طول هفته وقت زیادی را با ترامپ گذراندم و با وجود هجوم اف‌بی‌آی به دفاتر کوهن، من احساس نکردم که ترامپ اهمیتی به این موضوع می‌دهد و در ملاقات‌های متعددم در ایام هفته که کم هم نبود، هیچگاه موضوع کوهن را مطرح نکرد، البته بجز مواقعی که مجبور می‌شد به سؤالات خبرنگاران سمج جواب دهد.

دوشنبه شب ترامپ ضیافت شامی را با حضور رئیس ستاد مشترک ارتش و فرماندهان رزمی نظامی میزبانی کرد تا موضوعات مورد علاقه و مرتبط با امور دفاعی را با آنها بررسی کند. معمولاً هر شش ماه یک بار چنین ضیافتی با حضور فرماندهان نظامی برگزار می‌شد. حضور همه فرماندهان نظامی در واشنگتن همچنین فرصت مناسبی فراهم کرد تا نقطه نظرات آنها را در قبال سوریه بشنویم. اگر نخستین روز کاری من این گونه تحت تأثیر بحران استفاده از سلاح شیمیایی در سوریه قرار نگرفته بود و سرم شلوغ نشده بود، حتماً تلاش می‌کردم که به‌طور جداگانه با تک تک فرماندهان دیدار و درباره مسئولیت‌هایشان گفت‌وگو کنم. به نظر می‌رسد برای انجام این کار فعلاً باید منتظر بمانم.

روز بعد ساعت هشت و نیم صبح من مجدداً با سدویل گفت‌وگو کردم تا مقدمات مکالمه تلفنی ترزا می با ترامپ را برای ساعاتی بعد آماده کنم. سدویل دوباره بر ضرورت تسریع در پاسخ به حمله شیمیایی سوریه تأکید کرد و من در این اندیشه بودم که نکند فشارهای سیاسی داخلی در بریتانیا بر افکار خانم می تأثیر گذاشته باشد، چرا که پارلمان بریتانیا پس از چند روز تعطیلی قرار بود جلسات خود را از روز ۱۶ آوریل از سر بگیرد. مخالفت پارلمان بریتانیا مسبوق به سابقه بود. «دیوید کامرون» نخست‌وزیر سابق بریتانیا قبلاً وقتی که رژیم سوریه از خط قرمز ترسیم شده توسط اوباما در زمینه کاربرد سلاح‌های شیمیایی عبور کرد، نتوانست موافقت مجلس عوام را با اقدام نظامی علیه سوریه جلب کند. روشن بود که اگر ما زودتر و قبل از شروع به کار پارلمان بریتانیا عملیات نظامی مشترک خود را علیه سوریه کلید می‌زدیم، خطر مخالفت نمایندگان مجلس عوام نیز خود به خود منتفی می‌شد. سدویل همچنین وقتی که شنید پنتاگون برای پاسخی سنگین و نه سبک، آماده می‌شود، خوشحال شد چرا که ترجیح دولت بریتانیا هم واکنش فوری و شدید بود و این اقدام می‌توانست در ابعاد گسترده‌تر نیز هم راستا با چارچوب‌های تحلیلی و نظری ما درباره موضوع سوریه باشد. وقتی که تماس تلفنی ترزا می و ترامپ برقرار شد، نخست‌وزیر بریتانیا هم به‌نوعی اظهارات مشاور امنیت ملی‌اش را در زمینه ضرورت اقدام فوری، تکرار کرد. به نظر می‌رسید که در جریان این مکالمه تلفنی ترامپ مصمم‌تر شده بود هر چند که کاملاً آشکار بود که از خانم می خوشش نمی‌آید. البته به نظر من این حسی متقابل بود و خانم می هم از آقای ترامپ خوشش نمی‌آمد. در طول هفته من به طور مرتب با «مئیر بن شبات» همتای اسرائیلی‌ام در تماس بودم و درباره گزارش‌های مربوط به حمله هوایی انجام شده علیه پایگاه تیاس سوریه و حضور بشدت تهدیدآمیز ایران در این پایگاه با او گفت‌وگو می‌کردم.

همچنین طی روزهای بعدی اطلاعات بیشتری از حملات سوریه به دست‌مان می‌رسید و من زمان زیادی را برای بازبینی و تحلیل اطلاعات رسیده درباره سوریه و همچنین انبوهی از اطلاعات محرمانه در مورد مناطق مختلف جهان صرف می‌کردم. من از مشاغل قبلی‌ام در دولت یاد گرفته بودم که همیشه تا آنجا که می‌توانم بیشتر از اطلاعات استفاده کنم. ممکن بود من با تحلیل‌ها یا نتیجه‌گیری‌های اطلاعات رسیده موافق یا مخالف باشم ولی همیشه آماده بودم اطلاعات بیشتری را ببلعم. شواهد و مستندات مربوط به استفاده رژیم اسد از سلاح‌های شیمیایی در گزارش‌های علنی و رسانه‌ای روز به روز آشکارتر می‌شد، هرچند که هنوز برخی تحلیلگران چپ گرا و حتی برخی مفسران در شبکه فاکس نیوز، می‌گفتند که شواهدی در این زمینه وجود ندارد، اما آنها در اشتباه بودند.

دورنما

تورنتو استار (کانادا):

جاستین ترودو مرتکب خلاف‌های مالی شده و دستور بسته شدن یک قرارداد مالی کلان با خیریه‌ای را صادر کرده که با خانواده و همسر وی روابط نزدیکی دارد. این رسوایی که کانادایی‌ها انتظار آن را از نخست‌وزیر جوان خود نداشتند، باعث شده درخواست‌ها برای استعفای نخست‌وزیر شدت گیرد.

دیلی صباح (ترکیه):

حزب جمهوریخواه خلق، از احزاب سکولار ترکیه، برای اولین بار یک زن محجبه را به عنوان یکی از کاندیداهای اصلی برای حضور در مجمع این حزب پذیرفته است. این در حالی است که چندی پیش قلیچدار اوغلو، رهبر حزب گفته بود حزب در سیاست‌هایش در قبال حجاب اشتباه کرده است.

نیویورک تایمز (امریکا):

بسته شدن کنسولگری‌های چین و امریکا، این واقعیت را تبیین می‌کند که هر دو طرف در حال حرکت به سوی یک جنگ هستند. ممکن است این جنگ، جنگ واقعی نباشد، اما بی‌تردید یک جنگ سرد کامل خواهد بود. این برای امریکا که نفوذ خود را در شرق آسیا از دست داده خوب نیست.

خشونت پلیس دادستان کل را به کنگره کشاند

شهرداران ۶ شهر امریکا در نامه به کنگره، خواهان متوقف کردن دستورهای تنش‌زای ترامپ شدند

ندا آکیش - پس از آنکه شهرداران ۶ شهر ناآرام ایالات متحده امریکا از مداخله نظامی - امنیتی کاخ سفید در حوزه‌های تحت مدیریت‌شان ابراز نارضایتی کرده و در نامه‌ای از نمایندگان و سناتورهای کنگره خواستند با «غیرقانونی» اعلام کردن اعزام نیروهای مسلح فدرال به شهرهایشان، جلوی اقدامات تنش‌زای دونالد ترامپ، رئیس جمهوری امریکا را بگیرد، کمیته قضایی مجلس نمایندگان امریکا ویلیام بار، دادستان کل را برای ادای شهادت در این باره احضار کرد و «بار» قرار بود عصر دیروز در این کمیته حاضر شود. این احضار در حالی است که ترامپ روز دوشنبه گفته بود، در نظر دارد ۱۵۰ نیروی مسلح فدرال دیگر به این شهرها و به طور ویژه به پورتلند اورگان اعزام کند.

به گزارش نیویورک تایمز، بیش از یک سال بود که کنگره ویلیام بار، دادستان کل امریکا را برای ادای شهادت احضار نکرده بود و او هم شاید فکرش را نمی‌کرد که دست‌کم تا پایان دولت فعلی ترامپ احضار شود اما اعزام نیروهای خشن فدرال به شهرهای ناآرام امریکا توسط رئیس جمهوری امریکا که به ناآرام تر و حتی ملتهب شدن این شهرها انجامید و مقامات محلی این شهرها را به ستوه آورد، باعث شد دادستان کل صبح دیروز سه‌شنبه حوالی ساعت ۱۰ صبح به وقت محلی در کپیتال هیل حاضر شود و به سؤالات اعضای کمیته قضایی مجلس نمایندگان درباره این اعزام‌ها پاسخ دهد. جلسه‌ای که پیشاپیش گفته شده بود، پرتنش خواهد بود زیرا دموکرات‌های مجلس نمایندگان امریکا بشدت از عملکرد بار که تصمیمات سیاسی در حمایت از ترامپ می‌گیرد، ناراضی هستند و او را در این باره و البته با محوریت اعزام نیروهای فدرال سؤال پیچ خواهند کرد.

■ قیام شهرداران ۶ شهر علیه ترامپ

برگزاری این جلسه استماع یک روز پس از درخواست مکتوب شهرداران پورتلند، سیاتل، شیکاگو، کانزاس سیتی، واشنگتن دی‌سی و آلبوکرک (بزرگترین شهر ایالت نیومکزیکو) از سناتورها و نمایندگان کنگره برای غیرقانونی خواندن اعزام نیروهای فدرال حاکی از آن است که کنگره یا دست‌کم دموکرات‌های کنگره هم دغدغه برخورد با دولت در ملتهب‌تر کردن شهرهای ناآرام را داشتند. شهرداران در نامه خود نوشته بودند: این دولت نباید هرگز تا این حد بی پروا و آشکارا از نیروی فدرال در شهرهایی که مسئولیت تأمین امنیت‌شان با مقامات محلی است، استفاده می‌کرد.

این شهرداران همچنین در درخواست مکتوب خود به این نکته اشاره کردند که نیروهای مسلح فدرال که به شهرهایشان اعزام شده‌اند، مدام در مناطق مختلف شهر گشتزنی می‌کنند و شهروندانی را که هیچ گناهی ندارند دستگیر می‌کنند. در حالی که بهتر بود قبل از اعزام این نیروها با مقامات محلی مشورت می‌شد.

دولت ترامپ بیشترین تعداد نیروهای فدرال را به شهر پورتلند اورگان که این روزها بشدت ناآرام است اعزام کرده و روز دوشنبه هم بی‌توجه به اعتراض شهردار پورتلند و ۵ شهردار دیگر به این اعزام‌ها، اعلام کرد قصد دارد نیروهای فدرال بیشتری به پورتلند و دیگر شهرهای شلوغ بفرستند. روزنامه امریکایی واشنگتن‌پست روز دوشنبه در گزارشی نوشت، دولت ترامپ در نظر دارد دست‌کم ۱۰۰ نیروی فدرال دیگر به پورتلند اعزام کند زیرا رویارویی معترضان به نژادپرستی و نیروهای فدرال در این شهر شدت گرفته است. در پی بالا گرفتن این درگیری‌ها ترامپ روز دوشنبه در توئیتر ادعا کرد، اگر نیروهای فدرال در شهر حضور نداشتند، نیروهای محلی پورتلند و تجهیزات‌شان «یک روز هم نمی‌توانست مقابل معترضان دوام بیاورد.»

■ حکم قاضی فدرال علیه نیروهای ترامپ

به گزارش نیویورک تایمز، این ادعای ترامپ در حالی است که هم شهردار پورتلند و هم شهرداران دیگر شهرهای امریکا که این روزها ناآرام هستند، بارها و بارها گفته‌اند، تظاهرات‌هایی که از حدود ۶۰ روز قبل در پی قتل جورج فلوید سیاهپوست به دست پلیس آغاز شد، تا قبل از اعزام نیروهای فدرال، مسالمت‌آمیز و کاملاً تحت کنترل نیروهای امنیتی محلی بود. در برخی شهرهای امریکا حتی تظاهرات‌های ضدنژادپرستی خاتمه یافته یا بسیار کمرنگ شده بود اما پس از آنکه در پورتلند و سیاتل نیروهای فدرال برخوردهای بشدت خشنی با معترضان کردند، روزهای شنبه و یکشنبه تظاهرات‌ها در شهرهای دیگر امریکا دوباره از سر گرفته شد و معترضان برای اعلام همبستگی با معترضان پورتلند و سیاتل به طور گسترده به خیابان‌ها آمدند. یکی از دلایل ناخرسندی مردم و مقامات شهرها از نیروهای فدرال این است که این نیروها بیش از اندازه از زور استفاده می‌کنند و برایشان هیچ فرقی ندارد که به فردی که حمله می‌کنند، یک مادر است یا یک فرد معلول و ناتوان یا یک خبرنگار. در حالی که روز جمعه یک قاضی فدرال حکمی صادر و در آن تأکید کرد در جریان تظاهرات‌ها نیروهای فدرال حق دستگیر کردن یا آسیب رساندن به خبرنگاران یا ناظران قضایی را ندارند. در حال حاضر در محاکم قضایی امریکا از دولت ترامپ دست‌کم چهار مورد شکایت درباره اعزام نیروهای فدرال به شهرها شده و هم مقامات محلی و هم مقامات ایالتی بارها از کاخ سفید خواسته‌اند این نیروها را از شهرها خارج کند.

■ کووید ۱۹ در کمین مناظره‌های انتخاباتی ترامپ - بایدن

تبدیل شدن ناآرامی‌های شهرهای مختلف امریکا به یک چالش جدی برای ترامپ در آستانه انتخابات در حالی است که بحران همه‌گیری ویروس کرونا هم همچنان در این کشور وجود دارد و این بحران که رقابت‌های انتخاباتی را تاکنون بشدت تحت تأثیر قرار داده است، بعید نیست مناظره‌های انتخاباتی ترامپ و جو بایدن، رقیب دموکراتش را هم تحت‌الشعاع قرار دهد. نخستین مناظره انتخاباتی ترامپ - بایدن قرار بود ۲۹ سپتامبر در دانشگاه نوتردام شهر ساوت بند ایالت ایندیانا برگزار شود اما به خاطر نگرانی‌های مربوط به همه‌گیری کووید ۱۹ گفته شده در ایالت اوهایو در شهر کلیولند در دانشگاه «وسترن ریزرو» برگزار می‌شود. دومین مناظره انتخاباتی ترامپ - بایدن هم که روز ۱۵ اکتبر برگزار می‌شود، ابتدا قرار بود در دانشگاهی در میشیگان برگزار شود اما حالا گفته شده در میامی برگزار می‌شود. سومین و آخرین مناظره ترامپ - بایدن هم در روز ۲۲ اکتبر در شهر نشویل برگزار می‌شود البته در صورتی که بحران همه‌گیری ویروس کرونا و دیگر بحران‌های داخلی امریکا مانع برگزاری دو مناظره نخست نشود.

Getty Images

حکم «نجیب»

نجیب تون رزاق در پرونده اختلاس ۹،۸ میلیارد دلاری به ۱۲ سال زندان محکوم شد

زهره صفاری/ نخست وزیر سابق مالزی و یکی از قدرتمندترین سیاستمداران این کشور در ۷ اتهام مرتبط با پولشویی، سوء استفاده از قدرت و خیانت در امانت مجرم شناخته و به ۱۲ سال زندان محکوم شد تا پرونده او به عنوان تاریخی‌ترین حکم قضایی در مورد سیاستمداران ارشد این کشور به ثبت برسد.

به گزارش شبکه خبری «الجزیره»، این دادگاه که آغاز فرآیند رسیدگی به اتهامات «نجیب رزاق» ۶۷ ساله به شمار می‌رفت، دیروز با متهم شناخته شدن نخست وزیر سابق مالزی در پرونده سرقت ۹،۸ میلیارد دلاری از صندوق توسعه ملی این کشور وارد مرحله جدیدی شد. قاضی این پرونده که شواهد و مدارک وکلای مدافع «رزاق» برای اثبات بیگناهی او را کافی نمی‌دانست با استناد به تحقیقات بازپرسی در ردگیری بودجه گزاف سرقت شده در پروژه‌های ساخت فیلمی امریکایی، خرید ویلا و اموال گرانقیمت و کشتی تفریحی بزرگ «رزاق»، متهم را مجرم اعلام کرد و گفت: «نجیب با سوء استفاده از قدرت خود در روند پرداخت وام‌ها نیز مداخله کرده و بخشی از پول‌ها به حساب شخصی اش منتقل شده است.» براساس گزارش رسانه‌ها در صورتی که دادگاه تجدیدنظرخواهی حکم را تأیید کند حبس و جریمه سنگین و شلاق در انتظار نخست وزیر سابق و قدرتمند مالزی خواهد بود.

انتشار این اخبار هواداران «رزاق» را که در برابر ساختمان دادگاه تجمع کرده بودند، به واکنش واداشت و در حالی که بسیاری از آنها نخست وزیر سابق‌شان را بیگناه دانسته و برای او گریه سر داده بودند، قاضی پرونده را به انتقام‌گیری سیاسی متهم کردند. اما کاربران مجازی از رأی دادگاه استقبال کردند چراکه آن را محکی برای فرآیند مبارزه با فساد در بدنه سیاست می‌دانستند. «بریگت ولش»، کارشناس سیاسی مالزی در این باره گفت: «این حکم که علیه سوء استفاده از قدرت صادر شد، «روز جدید مالزی» را رقم زد و گرچه به نظر می‌رسد روند فرجام خواهی مدت‌ها به درازا بکشد اما اینکه راه بازگشت «نجیب» به مقامات ارشد سیاسی بسته شد موفقیت بزرگی به شمار می‌رود.» «رزاق» پس از شنیدن شایعات درباره حکم دادگاه در پیامی فیس بوکی نوشت: «اگر دادگاه بخواهد مرا مجرم بشناسد تا سطح دادگاه عالی اعتراض خواهم کرد.» این در حالی است که او سه دادگاه مجزا را پیش رو دارد که بزرگترین آنها رسیدگی به ۲۱ مورد پولشویی به ارزش ۵۵۰ میلیون دلار از صندوق توسعه ملی مالزی و سوء استفاده از قدرت است.

به نوشته «فرانس پرس»، بواقع گمانه‌زنی‌های فساد نخست وزیر سابق مالزی از سال ۲۰۱۵ مطرح شده بود اما تنها پس از شکست او در انتخابات سال ۲۰۱۸، رسیدگی به پرونده او با حکم «ماهاتیر محمد»، نخست وزیر وقت مالزی در دستور کار قرار گرفت. اما نفوذ سیاسی «رزاق» سبب شد که «ماهاتیر محمد» پس از حدود یک سال و چند ماه کناره‌گیری کرده و جایش را به یکی از هم حزبی‌های «رزاق» بدهد.

■ رهایی به پشتوانه حامیان حزبی

به باور تحلیلگران «نیویورک تایمز»، مدارک وکلای مدافع «نجیب رزاق» برای اثبات بیگناهی او از اتهام زنی به مشاور مالی ثروتمند آقای نخست وزیر گرفته تا مرتبط کردن حساب میلیاردی او به هدیه خاندان سعودی به بن‌بست رسیده است اما کارشناسان با وجود مجرم شدن «رزاق»، حضور حزب متبوعش در بدنه دولت و اینکه او با هر حکمی کرسی پارلمان را از دست نخواهد داد، چندان بر تأیید این حکم مطمئن نیستند. «جیمز چین»، استاد مطالعات آسیای دانشگاه «تاسمانی» در این باره گفت: «این حکم جشنی ندارد چون در مالزی احکام پرونده‌های سیاسی در مرحله فرجام خواهی برمی‌گردد و به نظرم «رزاق» در فرجام خواهی با حمایت حزبش تبرئه خواهد شد.»

AFP

ادامه از صفحه اول

کرونا و «هر خانه یک حسینیه»

در ایران هم ستاد ملی کرونا همگام با این رویکرد جهانی تدابیر مؤثر و اقدامات جبرانی قابل توجهی را اتخاذ کرده اما ضرورت بازگشایی فعالیت‌های اقتصادی که برای دنیا به‌خاطر مقابله با فقر محرز است جامعه را در معرض انتشار و شیوع بیشتر ویروس قرار داده و اگر دستورالعمل‌ها، فاصله‌گذاری اجتماعی و استفاده از ماسک رعایت نشود مخاطرات بیشتر می‌شود.

درواقع بین بازگشایی فعالیت‌های اقتصادی و رعایت استانداردهای بهداشتی و پروتکل‌ها باید تعادلی برقرار شود و فعلاً با میزان دانش و اطلاعاتی که از این ویروس در اختیار بشر قرار دارد راه حل دیگری مانند واکسن یا درمان قطعی وجود ندارد. قرنطینه مطلق و حذف هرگونه فعالیت اجتماعی نیز امکانپذیر نیست، بنابراین برقراری تعادل در این وضعیت بخشی بر عهده دولت و بخشی با نقش آفرینی مردم ممکن است.

کووید۱۹ ویروسی است که به سرعت و به راحتی انتشار می‌یابد و طیف وسیع علائم و عوارض آن تازه مشخص شده، به طوری که هنوز برای فهم آن نیاز به مطالعات بیشتری وجود دارد و هنوز ناشناخته محسوب می‌شود. بنابراین سیاست احتیاط و پیشگیری محتاطانه چه توسط دولت و چه توسط مردم منطقی و عقلانی‌ترین راه حل است، چرا که تهدید جان انسان‌ها شجاعت نیست و باید فاصله‌گذاری، استفاده از ماسک، عدم برگزاری و حضور در اجتماعات به نحوی که ریسک در معرض قرار گرفتن آحاد جامعه به حداقل برسد و در عین حال فعالیت‌های ضروری انجام شود تنها راه حل است.

حال کسی که این اصول اولیه و کم‌هزینه نجات‌بخش را سبک زندگی تلقی نکند یا نادیده بگیرد می‌تواند در آسیب رسیدن یا حتی مرگ دیگران با زنجیره انتقالی که نمی‌دانیم به کی و کجا می‌رسد شریک جرم باشد.

تصمیم به برگزاری جشن‌های عروسی یا عزاداری و حتی مراسم مذهبی و معنوی اگر چه بسیار اهمیت دارد، اما در برابر ریسک تهدید جان یک انسان از اعتبار می‌افتد. چرا که همه اینها برای کرامت انسان و عزت و اعتباربخشی به زندگی آدمی است و نمی‌تواند ناقض هدف اصلی خود باشد.

بنابراین خوب است در این تحولات، سبک مراسم خود را نیز منطبق با مقتضیات متحول کنیم. مثلاً در ماه محرم پیش رو، با شعار «هر خانه یک حسینیه» به استقبال مَحرم برویم که در هر خانه با بررسی اهداف قیام عاشورا و ایثارگری و اصلاحگری اباعبدالله حسین(ع) هم‌اندیشی و عزاداری صورت گیرد یا با بهره‌مندی از فضای مجازی و حضور آنلاین در عزاداری‌ها شرکت کنیم.

امید است با تعادل در نگاه و سبک زندگی در شرایط کرونا و پسا کرونا بتوانیم بار سنگین فشار بر خادمان سلامت و منحنی ابتلا به کرونا را کاهش و جان‌های ارزشمند را با رفتار اجتماعی شایسته نجات دهیم و با مسئولیت‌پذیری بیشتر، شرمندگی کمتری در برابر شهدای سلامت و خانواده‌های آنها داشته باشیم.

تحلیل روز

خودخواهی‌ها، جهان را به سوی نابودی می‌کشاند

یوشکا فیشر
وزیر خارجه
پیشین آلمان

مترجم: وصال روحانی/ به‌رغم گذشت بیش از ۷ ماه از شیوع بیماری کرونا، اقتصاد جهان هنوز از تبعات تلخ آن رنج می‌برد و این در حالی است که بشریت لااقل در اعصار مدرن هرگز ضایعه‌ای از این دست را تجربه نکرده بود.

این روزها ترس از موج دوم ظهور «کووید۱۹» جهان را فرا گرفته است و به‌رغم همه ادعاهای کلان برخی مقام‌ها بدرستی مشخص نیست بشر چه میزان آمادگی برای پس‌زدن این شیوع تازه را خواهد داشت. قدر مسلم اینکه «موقتی شمردن» تأثیرات منفی این ویروس اشتباه بزرگی خواهد بود و کرونا آمده است که بماند و متأسفانه جزئی از فرهنگ رفتاری جهانیان شود. برخی فقط می‌پرسند یورش تازه این بیماری به‌سوی مردم چه نتایجی در ادامه سال بحران زده ۲۰۲۰ برجای خواهد گذاشت، حال آنکه دامنه بسط کرونا به سال‌ها و دهه‌های بعد استمرار خواهد یافت و در نتیجه باید سیستم‌هایی را در زمینه‌های بهداشتی و بازسازی جوامع برگزید که به اندازه طول عمر این ویروس پر دوام باشد. اگر این را بپذیریم و براساس آن کار کنیم، به‌این معنا است که صدای این هشدار شدید را شنیده و سپرهای حفاظتی لازم را اختیار کرده‌ایم و در غیر این صورت وارد یک فاجعه انسانی عظیم خواهیم شد.

نه تنها تمامی ابنای بشر باید در قبال اینگونه اپیدمی‌ها و امواج منفی زیستی مسئولیت‌های فردی بیشتری را حس کنند بلکه بشر موظف است یک سپر حفاظتی جمعی و سیاست در برگیرنده بسیار وسیع‌تری را برای بی‌اثر کردن این اپیدمی‌ها در اختیار گیرد. ما نه تنها چنین نکرده‌ایم بلکه با انواع خود خواهی‌ها و به‌اسم اکتشافات، کره زمین را ویران و لایه ازون را سوراخ و زندگی انسان‌ها را تیره و تار ساخته‌ایم. بدون اینکه متوجه باشیم که سیاره محل زیست‌مان را به‌سوی تبدیل شدن به یک گورستان جمعی بزرگ سوق می‌دهیم. باید دست به تصمیم‌گیری‌های بزرگ و تغییر اساسی شرایط زیست زد. در غیر این صورت زیر آوار اپیدمی‌های کرونا وار مدفون خواهیم شد. در این صورت چه فرقی می‌کند که اقتصاد ما شکوفا باشد یا لنگان و سیاست خارجی‌مان پویا باشد یا توأم با دریدگی و تعدی به حقوق دیگران. وقتی ما کامپیوترهای مافوق مدرن را اختراع و از هوش مصنوعی استفاده می‌کنیم، آیا باید هدف و برنامه کار آنها خلق فرآیندها و موادی باشد که دشمنان انسانی‌ما و رقبای ما در سایر کشورها را مغلوب کند یا قاتلان کل بشریت و کروناها را.

انسان اینک در یک مقطع تاریخی ایستاده است. آن‌جا که باید تصمیم بگیرد حفظ منافع فردی‌اش مهم‌تر است یا تلاش جمعی برای پاکسازی و تقویت علمی و پزشکی سیاره‌ای که طعمه بدخواهی‌های سیاسی و کج کرداری‌های اقتصادی شده است. کرونا و نابود سازی‌هایش که همچنان ادامه دارد، تلنگری شدید به همه مقام‌ها و مردم عادی بوده تا در رفتار خود تجدیدنظر کنند و کره زمین را از چپ و راست نتراشند و به قیمت پیشرفت و به‌نام بهبود صنایع سیاره‌ای را بر جای نگذارند که مستعد رشد بدترین ویروس‌ها است. کرونا به ما نشان داده است اگر به‌فکر حفظ تمدن‌ها و اقتصادها و نظام‌های سیاسی با روش‌های عقلایی و علمی نباشیم و جنگ‌های فردی و کشوری بر ذهن‌ها حکم براند با اولین حملات بعدی کرونا و امثال آن فقط تلی از خاکستر و غبار مرگی محتوم و فراگیر در جهان باقی خواهد ماند. اسباب تأسف عمیق است که در این روزهای تلخ و حساس، امریکا و چین به‌جای مساعی مشترک برای نابودسازی «کووید۱۹» مشغول تدوین آرایش‌های سیاسی و اقتصادی و نظامی جدید علیه یکدیگر هستند تا طرف مقابل را سرکوب کنند و آوای پیروزی سر دهند؛ آوای کدام پیروزی، فقط خدا می‌داند.

منبع: Project Syndicate